

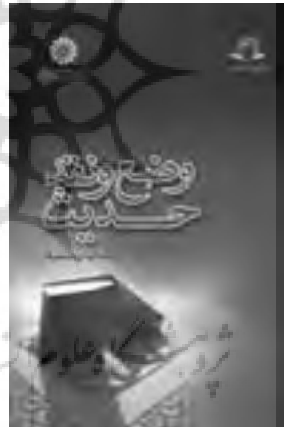
گزارش مؤلف

# وضع و نقد حدیث

عبدالهادی مسعودی

از آغازین روزهای حیات اسلام، زلال جاری حدیث، از والاترین قله‌های دانش، به سوی انسان‌های تشنه، سرازیر گشت. حدیث، پس از قرآن، به عنوان مهم‌ترین منبع دریافت معارف دینی، راهنمای رهپویان راه سعادت و کمال شد و در همه عرصه‌های زندگی مسلمانان جلوه کرد. درخشش نمایان حدیث، چشم طمع ریاست‌طلبان و جاه‌طلبان را به سوی آن جلب نمود و قدرت‌طلبان، برخی دین‌فروشان عالم‌نما را با تطمیع و تزویر به خدمت گرفتند تا برایشان حدیث بسازند و شفافیت معصومانۀ سخن پیشوایان دین را، در گرد و غباری ساختگی پنهان سازند. آنان، حقیقت نهفته در ورای روایات را تاب نیاوردند و با تحریف و افزودن و کاستن، جامه حدیث را بر بدعت‌ها و خواسته‌های نفسانی خود پوشانده و این چشمه جوشان را در امتداد تاریخی خود، گل آلود کردند. اینک ما هستیم و راهی تابناک، که در نقاطی از آن، امویان و عباسیان گرد و غباری برانگیخته، و یا به دست غالیان و درباریان، مه‌آلود گشته است.

پدیده جعل، هر چند اندک باشد، پژوهش‌گر را وامی‌دارد به خوراک علمی خود و آنچه به دین منسوب می‌شود، با نگاهی ژرف و نقادانه بنگرد و به دانش‌های حدیثی، مانند «رجال» و «کتاب‌شناسی» و نیز «نقد حدیث» مجهز شود. کتاب وضع و نقد حدیث برای



عبدالهادی مسعودی، وضع و نقد حدیث، کار مشترک دانشکده علوم حدیث و سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸، چاپ اول.

برآوردن چنین نیازی در دو بخش: «وضع حدیث» و «نقد حدیث» تألیف شده است.

### وضع حدیث

وضع در دانش‌های حدیثی به معنای جعل و وضع حدیث، یعنی حدیث‌سازی، و استفاده از حدیث در علوم اسلامی، نیازمند شناخت احادیث ساخته‌شده و اجتناب از آن‌هاست. سوگ‌مندانه و مانند همیشه، عده‌ای سودجو و فرصت‌طلب برای رسیدن به مطامع و هوس‌های دنیایی خویش، یکی از با ارزش‌ترین گنجینه‌های معنوی بشر را هدف قرار دادند و سخنانی در راستای اغراض شخصی و گروهی را، جامه‌ی حدیث پوشاندند و آن‌ها را در لابلای روایات پیشوایان معصوم (ع) گنجانده‌اند. خوش‌بختانه دیده‌ی بیدار پاسداران دین و «مرزبانان حماسه‌ی جاوید» این توطئه خطرناک را از نخستین روزهای تولد نامیمونش، رصد کردند و شخصیت‌های پشت پرده‌ی این جریان خطرناک را شناسایی نموده و با تعقیب رد پای آنان، آثار جعلی ایشان را در کتاب‌های حدیثی یافته و معرفی کردند.

بخش نخست کتاب، به گزارش فراز و فرود این جریان تاریخی، اختصاص دارد. این بخش در حدود ۱۷۰ صفحه است و در چهار فصل عرضه شده است.

فصل نخست به مباحث مقدماتی و کلیات پرداخته است؛ بحث‌هایی مانند: معنای حدیث موضوع و اصطلاحات آن، تفاوت حدیث موضوع و ضعیف که تفاوت نهادن میان این دو، باعث تندروی در ردّ احادیث و از میان رفتن اعتماد لازم به روایات شده است. از این رو، در همین فصل، به تعداد و حجم احادیث ساختگی پرداخته و روشن ساخته‌ایم که تعداد احادیث ساختگی قابل اثبات و نه محتمل، دست‌کم در حوزه‌ی حدیث شیعہ، بسیار کمتر از اندازه‌ی است که برخی متأخران و معاصران عنوان نموده‌اند. به گمان این قلم، خلط میان حدیث ضعیف و غیرقابل اعتماد و عرضه‌ی مخلوط آن با احادیث جعلی، موجب چنین پنداری شده است، هرچند این تعداد کم هم، متخل به پاکی و زلالی حدیث است و از این رو بحث زبان‌های درونی و دیگر زبان‌های حدیث‌سازی را در عنوانی جداگانه، عرضه کرده‌ایم.

فصل دوم به تاریخچه‌ی وضع حدیث می‌پردازد. پیدایش، گسترش و استمرار وضع، سه مرحله‌ی جریان نامبارک وضع است. در این فصل نظریه‌های محدثان معاصر اهل سنت در باره‌ی آغازگران جعل حدیث، طرح و نقد و در برابر هجمه‌ی تبلیغاتی علیه شیعہ، سده‌ی از دلیل و مستندات تاریخی برافراشته شده است.

فصل سوم انگیزه‌های گوناگون حدیث‌سازی را بررسی کرده است. شناخت این انگیزه‌ها و توانایی تطبیق و موردیابی هر یک از آنها، در کنار متن‌شناسی، می‌تواند راه به سوی جعلی خواندن و یا جعلی ندانستن احادیث شک‌برانگیز را هموار کند. این انگیزه‌ها را به ترتیب فراوانی وقوع، در چهار باب انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فرقه‌ای، و انگیزه‌های خاص دسته‌بندی نموده و برای هر کدام نمونه‌هایی ارائه داده‌ایم. به گمان نگارنده، سرنخ بسیاری از جعل‌های گسترده و خطرناک به دنیای آلوده‌ی سیاسی در روزگار سیاه امویان و عباسیان باز می‌گردد و هم‌و غم ایشان برای مشروعیت‌بخشی به حکومت خود و تقویت هواداران‌شان و تضعیف دشمنانشان و از میدان به دربردن مخالفان، سیل متاع دنیوی را به دامن عالمان درباری سرازیر کرد تا اخباری مانند اطاعت مطلق از حاکم ستم‌کار و جواز تعدی و تخریب مبارزان تا سرحدّ جواز شکنجه‌هایی مانند میخ کوفتن به دست راه

بسازند و نشر دهند. حتی اخباری مانند جبر و بی‌اختیاری انسان و یا شرکت پیامبر اسلام در مجلس خنیاگران که به ظاهر رنگ فرهنگی دارند، در نهایت و نهان، ریشه‌ی سیاسی دارند و برای خاموش کردن توده‌های معترض و تجویز خوش‌گذرانی خلفای پا از دایره‌ی شرع بیرون نهاده، ساخته شده‌اند. نگاهی از این دریچه بخشی از اسرائیلیات را در این جهت قرار می‌دهد و حتی می‌توان برخی از فضیلت‌سازی‌های فرقه‌ای را نیز ملحق کرد. در این فصل به مسئله‌ی غلو نیز پرداخته شده و برخی جعلیات این گروه نافرمان و مخالف امامان به‌ویژه در تأویل قرآن بررسی و ریشه‌یابی شده است.

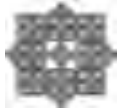
فصل چهارم، آخرین فصل در بخش وضع حدیث است و به شیوه‌های حدیث‌سازی و قالب‌های به‌کار برده شده از سوی جاعلان، اختصاص دارد. حدیث‌سازی با دست بردن در بخش کوچکی از متن و یا ساختن روایتی جعلی از ابتدا تا انتها آغاز شده و به وضع مجموعی و برساختن یک دسته احادیث در باره‌ی موضوعی سیاسی، مانند فضیلت‌های جعلی معاویه و یا مسئله‌ای فرهنگی، مانند جبر و سرنوشت کشانده شده است. در این فصل از مسئله‌ای به نام جعل تطبیقی یاد کرده و گفته‌ایم که لازم نیست، همیشه حدیثی جعلی ساخته شود، بلکه کافی است حدیثی واقعی را به صورت نادرست بر فردی و یا حالتی تطبیق دهند که به هیچ روی مقصود آن حدیث نبوده و با این کار ستایش یا نکوهش آن حدیث را متوجه آن فرد و حالت کنند.

### نقد حدیث

نقد به معنای جداسازی سره از ناسره، برای تشخیص حدیث صحیح از سقیم و روایت واقعی از ساختگی، از دیرباز مورد توجه دانشمندان و به‌ویژه حدیث‌پژوهان بوده است. اگر ثابت کردیم که حدیث جعلی داریم و دست وضع، توانسته است هر چند محدود، برخی متون شبیه به احادیث واقعی را با اسنادی به ظاهر قابل اعتماد، در لابلای منابع حدیثی جای دهد، بی‌تردید باید به راه‌های شناسایی و علاج این واقعه نیز پرداخت. شیعیان به زمامداری امامان معصوم (ع) همزاد با وضع حدیث به رویارویی با آن پرداختند و از همان آغاز، هر دو شیوه‌ی نقد متنی و سندی را به کار بستند و توانستند معیارهای لازم و سودمند برای نقد حدیث را از پیشوایان دین فرا بگیرند و آنها را با مهارت به کار ببرند. فصل نخست و دوم از بخش نقد حدیث، به همین مسائل پرداخته‌است. به مسائل کلی مانند معنا و گونه‌های نقد و نیز پیشینه و تاریخچه‌ی مختصر نقد حدیث. در این قسمت، رویارویی‌های ائمه شیعه و نیز تلاش‌های خستگی‌ناپذیر اصحاب و یاران ایشان را در قالب جریان‌های کلی، مانند رویارویی با قصه‌پردازان و غالیان، گزارش کرده و کوشش‌های پی‌گیر آنان در پی‌ریزی سنت‌ها و شیوه‌های قابل اقتباس در برخورد با جعل را معرفی کرده‌ایم؛ شیوه‌هایی مانند مقابله و عرض نسخه، عرضه‌ی حدیث بر امامان و پایه‌گذاری دانش رجال، کتاب‌شناسی و متن‌شناسی.

فصل سوم، نقد بیرونی و یا همان نقد سندی را بررسی و تحلیل کرده است. گسست سندی، ضعف مأخذ و منبع حدیث، اقرار راوی به حدیث‌سازی، انکار راویان دیگر و نشانه‌هایی از این دست که هیچ یک به تنهایی اثبات جعل نمی‌کنند، اما از عهده‌ی ضعیف شمردن حدیث برآمده و حتی در صورت تعدد و همراهی برخی نشانه‌ها و قرینه‌های دیگر، می‌توانند تا نشان دادن ریشه‌های جعل حدیث پیش بروند.

فصل چهارم، به نقد درونی یا همان نقد محتوایی اختصاص دارد. در این فصل، ابتدا



معیارهای نقد درونی به معیارهای درون‌دینی و برون‌دینی تقسیم شده است و سپس برای هر یک از آنها به ترتیب سه و چهار معیار معرفی شده است. قرآن، سنت، و مسلمات و ضروریات دینی، به عنوان معیارهای درون‌دینی؛ و عقل، حس و تجربه، علم قطعی، و تاریخ معتبر، به عنوان معیارهای برون‌دینی آورده شده‌اند و برای هر یک نیز مثال‌ها و احادیثی قابل نقد با این معیارها عرضه شده است. در ابتدای بحث از هر معیار، نیز اعتبار و حقایق آن اثبات و سپس به گستره‌ی مقبولیت و کاربرد آن اشاره و آن‌گاه به کار برده شده است.

فصل پنجم، آخرین فصل کتاب است. دستاوردهای نگاه نقادانه به حدیث، مانند شناسایی حدیث ضعیف و مجهول، پی‌بردن به تصحیف‌ها و تحریف‌ها در جریان نقل حدیث، و فهم بهتر، ژرف‌تر و برتر، کاویده و برای هر یک نمونه‌هایی ارائه شده است. در این فصل، به آسیب‌شناسی نقد حدیث نیز پرداخته و گوشزد کرده‌ایم که گاه فهم ناتمام، شتابزدگی در پژوهش و خواسته‌ها و تمایلات پژوهشگر، مانع از نقد درست و عادلانه می‌شود و او را گاه تا سر حدّ درافتادن به ورطه‌ی قبول ساده‌لوحانه پیش می‌راند و یا او را در دره ردّ گستاخانه گرفتار می‌کند.

### ویژگی‌های کتاب

دانش نوین حدیث بر دوش زحمات محدثان پیشین استوار است و مانند دیگر دانش‌های کهن، ریشه در ژرفای تمدن سترگ اسلامی دارد. کتاب‌های متعددی در زمینه وضع و جعل حدیث و نیز نقد سندی و محتوایی روایات در دست داریم. اما تنها اندکی از این گنجینه‌ی پر بها، به زبان فارسی و برای نسل معاصر به‌ویژه دانشجویان عزیز است. همت نگارنده در این کتاب متوجه ساده‌سازی و روان‌نویسی بوده و از این رو احادیث و متون عربی اصلی کتاب با کمک یاران دانشکده‌ی علوم حدیث اعراب‌گذاری شده و سپس ترجمه‌ی فارسی آنها در کنار متن اصلی، عرضه شده است و تنها متون حاشیه‌ای و غیر اصلی که در پانویس آمده‌اند، ترجمه نشده‌اند.

ویژگی دیگر کتاب به دست دادن نمونه‌هاست. مباحث کتاب، ذهنی و دور از فضای واقعی نیست و در هر جا که بحثی شده، نمونه‌ای و هر جا که ادعایی شده، مستندی ارائه شده است. از این رو، گاه با نظرات معروف و با سابقه‌ای مانند ساخت چهارهزار حدیث به دست ابن ابی‌العوجاء و یا حدیث پنداشته‌شدن بیشتر آنچه به اسرائیلیات مشهور شده، مخالفت شده است، تنها به آن دلیل که مأخذ و منبع قابل اعتمادی آن را گزارش نکرده و شهرت نظرات، حاصل اعتماد محققان به یکدیگر و نه تعدد منابع بوده است.

ویژگی بعدی کتاب، پژوهش و نقد در هر دو حوزه‌ی حدیث شیعه و اهل سنت است. ما دچار وضع در هر دو حوزه هستیم و هر چند از این نظر نسبت بسیار نابرابری میان این دو حوزه برقرار است، اما این موجب نمی‌شود که آسیب‌ها و آفت‌های خزیده به درون را شناسایی نکنیم و از جعلی خواندن چند حدیث معدود در دریای موج و بزرگ حدیث شیعه بهراسیم. حتی اگر ده‌ها حدیث جعلی قابل اثبات در کتابی مثل کافی با حدود شانزده هزار حدیث داشته باشیم، که نداریم، نسبت جعل از یک درصد در نمی‌گذرد.

گفتنی است سعی کرده‌ایم در نقادی حدیث، از آسیب‌هایی که در پایان کتاب، خود به آن‌ها اشاره نموده‌ایم، بپرهیزیم، اما داوری در باره‌ی نتیجه‌ی کار و اندازه‌ی توفیق ما، به عهده‌ی خوانندگان و منتقدان کتاب است که تاکنون با تشویق‌های زبانی و کتبی، نگارنده را نواخته‌اند و امیدوارم که با اهدای عیب‌ها و کاستی‌ها نیز، جزو محبوب‌ترین دوستان هم در آییم.